

داغ سهراب سوگ سیاوش

داستان‌های شاهنامه، جلد دوم

سید سعیدی



آتش بدید
یوبان پراز کف و کوی



سرشناسه: نیکویی، علی، ۱۳۶۰ -
عنوان فراداده: شاهنامه برگزیده
Shahnameh. Selections
عنوان و نام پدید آور: داغ سهراب، سوگ سیاوش: داستان‌های شاهنامه/علی نیکویی
مشخصات نشر: تهران: میراث اهل قلم، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۲۳۰ ص: ۲۱/۵x۱۴/۵ س.م.
فروست: داستان داستان‌ها: ۲.
شابک: دوره: ۹۷۸-۶۲۷۳۸۸-۶۷۰-۱: ۹۷۸-۶۲۷۳۸۸-۸۱-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: داستان‌های شاهنامه
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه - اقتباس‌ها
Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Adaptations
موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
Persian fiction - ۲th century
شماره افزوده: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه
Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh
ه بندی کنگره: PIR۸۳۶۲
رده بندی دیویی: ۸۱۶۳/۶۲
رده کتابشناسی ملی: ۹۶۶۷۱۴۱

داغ سهراب: سوگ سیاوش

داستان‌های شاهنامه، جلد دوم
علی نیکویی

با تشکر از همراهی صمیمانه‌ی دکتر سعید خلیلیزاده

ویرایش: رضا نیکویی، صفحه‌آرایی: مصطفی
نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۳، شمارگان: ۳۰۰ نسخه
مرکز پخش: ۰۲۱-۳۳۳۵۵۵۷۷
شماره‌های اجتماعی: ۹۳۷۰۷۷۰۳۰۳



سوره الفاتحه (اعلی‌ترین کتاب در انتشارات میراث اهل قلم طرأ می‌تواند است.
میراث اهل قلم: سعید ملک، نوگو شمس‌الهدیه، دکترا، سعید مصطفی چمران، خوشنویس، بدیع‌البلغه، امیر تهران
نظارت و مدیریت چاپ: حسن عامری، پشتیبانی و تدارکات: اشرف باغ‌عدادی، حسین حدادی
سرور استانی: فاطمه علیرزاده، مدیر هنری: محسن رحمتی
ناشر: مدیر عامل: حسن حدادی، مدیر عامل: محمد صادق حدادی، واحد مدیریت: عبداللین
کلیه حقوق متعلق است به انتشارات میراث اهل قلم و هرگونه نقض یا کپی برداری موجب مجازات
www.miraspub.ir

فهرست

- ۷ پیش درآمد
- ۹ تهمینه
- ۱۵ هجیر
- ۱۸ گردآفرید
- ۲۱ گزدهم
- ۲۴ زابلستان
- ۲۷ اعدام رستم
- ۳۰ ژنده رزم
- ۳۳ درفش ازدها
- ۳۶ پهلوان چینی
- ۳۹ سام سوار
- ۴۲ سهراب
- ۴۵ کاووس
- ۴۸ تهمتن
- ۵۱ داغ سهراب
- ۵۴ رش دارو
- ۵۷ گور دخمه
- ۶۰ نتیجه یار سه
- ۶۳ سارخش
- ۶۶ سودابه
- ۶۹ سراپرده پدر
- ۷۲ هیربد
- ۷۵ دختران سودابه
- ۷۸ دیوزاد
- ۸۱ آزمون آتش
- ۸۴ داوری ایزدی
- ۸۷ افراسیاب
- ۹۰ بلخ
- ۹۳ سغد
- ۹۶ روزگار فریدون

صد گروگان	۹۹
آشوب	۱۰۲
پیمان شکن	۱۰۵
بهرام	۱۰۸
پیران	۱۱۱
زنگه	۱۱۴
گنگ	۱۱۷
چوگان	۱۲۰
کمان ایرانی	۱۲۳
جریره	۱۲۶
فرنگیس	۱۲۹
فال سیاه	۱۳۲
سراوش گرد	۱۳۵
رود	۱۱
گروی و دمور	۱۴۱
روز	۱۴۴
خوب	۱۵۳
کیخسرو	۱۵۶
پیلسم	۱۵۹
سیاه وش	۱۶۲
گلشهر	۱۶۵
فرزند تور و کیقباد	۱۶۸
چوپان زاده	۱۷۱
سیاه پوشان	۱۷۴
فرامرز	۱۷۷
سرخه	۱۸۰
رزم گیو و پیلسم	۱۸۳
درفش بنفش	۱۸۶
چین و ماچین	۱۸۹
زواره	۱۹۲
گودرز	۱۹۵
گیو	۱۹۸
شیرنگ و اهریمن	۲۰۱
کلباد	۲۰۴
گلزریون	۲۰۷
موی سپید	۲۱۰
جیحون	۲۱۳
اصفهان	۲۱۶
پیل مست	۲۱۹
طوس و گودرز	۲۲۲
بهمن دژ	۲۲۵
شاهزاده	۲۲۸

پیش‌درآمد

در جلد اول کتاب داستان داستان‌ها [آفرینش رستم] مخاطب با ایاتِ نثر شدهٔ ابتدایی و داستان‌های نخستین شاهنامهٔ فردوسی مواجه شد که اساس و بن‌مایهٔ اساطیر ایران‌شهری بود. داستان‌ها به چگونگی پیدایش اولین پادشاهان افسانه‌ای ایران می‌پرداخت و فردوسی بزرگ را کشاکش قصه‌های شیرین در ذهن خواننده القا می‌نمود که کسی که بر انسان حکومت می‌نماید پیش از هر چیز باید مشروعیت خداوندگاری آن را داشته باشد و دارندهٔ فرمان ایزدی باشد. آنگاه به یاری ایزد جهان خدیو^۱ پادشاه کشفیاتی بسان آتش و لباس و کشاورزی و دامداری و کسب بندی جامعه را در می‌یابد و در عمل اجرا می‌نماید تا اساس زیستن آسوده‌تر مردمان را مهیا کند.

اما در باور ایران‌شهری این جهان همواره جایگاه روحانی و اخلاقی نیست؛ بلکه میدان نبرد خیر و شر است، نبردی که فرجامش پیروزی خیر است. جهان ما و روان ما میدان نبرد اندیشه‌ها و رفتارها و کردهای نیک و بد با یکدیگر است؛ زمین روست در جهان ایران‌شهری نیز شاهدیم آن گاهی که پادشاه فرهمندی بر تخت شاهی می‌نشیند اهریمن و دیوان و دیوپرستان به‌سوی او یورش می‌برند و او با یآوری‌های اهورایی و یاری مردم به نبرد ایشان می‌شتابد و در این مهم اوست که پیروزگر است. اما همین پادشاه اگر با

۱. فروغی است ایزدی که به دل هر که بناید، از همگان برتری یابد. از برنو این فروغ است که شخص به پادشاهی می‌رسد، شایسته تاج و تخت می‌شود، آسایش گستر و دادگر و همواره کامیاب و پیروزمند می‌شود و نیز از نیروی این نور است که کسی در کمالات نفسانی و روحانی کامل می‌گردد و از سوی خداوند به پیامبری برگزیده می‌شود. از مندرجات زامیادبشت [از بشت‌های اوسنا] نگاه کنید به:

THE USE OF RELIGIO-POLITICAL PROPAGANDA ON THE «Touraj, Daryae (۱۹۹۷).

(۹) COINAGE OF XUSR II». American Journal of Numismatics

۲. شاه جهان

کردگار خود را برابر دانست فر ایزدی اش از میان می‌رود و ترس و هراس به دلش راه می‌یابد و شکست در کارهایش پدیدار می‌گردد؛ داستان جمشید نمونه بارز آن است.

منی چون پیوست با کردگار | شکست اندر آورد و برگشت کار

چه گفت آن سخن‌گوی با فر و هوش | چو خسرو شوی بنگی را بکوش

به یزدان هرآن‌کس که شد ناسپاس | به دلش اندر آید ز هر سو هراس

در کتاب پیش رو نیز، دو ماجرای پر اندوه و تراژدی^۱ کهن ایران‌شهری که حکیم طلوس آن را در شاهنامه خود جاودان نمود را به نثر می‌کشیم؛ داستان کشته‌شدن سهراب، پسر بستم جهان‌پهلوان و سیاوش پسر کی‌کاووس شاهنشاه ایران.

پیکاری سهراب و سیاوش نبرد با تقدیر است و ایشان باید ثابت کنند که تقدیر محتوم^۲ نیست و یا اگر باشد همواره محتوم نخواهد ماند و بدانند که قدرتی ناشناس مانعی بر سر راه آنها نهد. اما تقدیر ارجمندش؛ پس نبرد سهراب و سیاوش پیکاری دشوار است؛ اما هر اندازه سخت هم باشد، حتی از پیش محکوم به شکست. ایشان به آن تن در داده‌اند. در فرجام داستان هر دو پهلوان خون‌گرمشان بر خاک سرد ریخته خواهد شد؛ ولی مرگشان بر خلاف انتظار، محاط با نوید نمی‌کند و شاید از مرگ ایشان هم وحشت‌زده شویم و هم شادمان! زیرا مرگ این دو پهلوان الهام‌بخش این مژده و بشارت است که از چنگ و بند تقدیر کور می‌رهیم یا روزی ناپیم رست. شاید از این روست که شنیدنی‌ترین و لذت‌بخش‌ترین داستان‌های ایران باستان، این دو داستان پر مصیبت است.

امید تا میراث ملی ما از خاطر نوباوگان پارسی‌زبان بیرون نرود و اسباب تعلق بیشتر جوانان به فرهنگ ملی ایران‌بزرگ گردد.

بهار ۱۴۰۳ خورشیدی، نارمک: تهران